

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Siasi

سیاسی

عبد المتین کوهدامنی
پشاور – پاکستان
۳۰ دسمبر ۲۰۰۸

خود کوزه و خود کوزه گر و کوزه خر

سیستانی مؤرخ نیست، بلکه یک اپورتونیست و تاریخ فروش تمام عیار است

در نوشته دو روز پیش خود تذکر دادم که سیستانی هرگز مؤرخ و تاریخدان نیست، بلکه «تاریخ فروش» است و جدید ترین «تاریخ فروشی» او را در مقاله اش تحت عنوان « داؤد خان را چی باید نامید؟» به چشم سر دیدیم. کرنش این انسان پخته سال در برابر یک انسان همسن و سالش که بانی و مؤسس افغان جرمن هم اوست، یک کار وقیح و غیر انسانی میباشد. من یقین کامل دارم که وقتی سایت افغان جرمن زیر فشار بیاید و راه برون رفت نیابد، در اولین فرصت از لنگ سیستانی گرفته و به مانند موش مرده و یک پوچاق خربوزه دورش خواهد افگند. در آن وقت است که سیستانی نه در زمین سایه خواهد داشت و نه در آسمان ستاره. و خدا در آن وقت بدادش برسد.

در سایت افغان جرمن نوشته یی تحت عنوان "ابتکار سیستانی، مناسبترین باب افشا و طرد بزدلان خاین ضد ملالی جویا را گشوده است، باید به او تاسی جست!" از قلم سیستانی ولی زیر نام مستعار "ف، یاسر" جلب توجه کرد، که ضمن آن سیستانی بمانند کاسه چینی خود صفت خویش را ادا نمود :

کاسه چینی که صدا میکند خود صفت خویش ادا میکند

این «کاسه چینی» که حالا هم خود را کوزه ساخته است و هم کوزه گر و هم کوزه خر، یعنی خریدار کوزه ، کیست؟؟؟

عجیب است که در سر مقاله "ابتکار سیستانی، مناسبترین"، نام نویسنده "یاسر" آمده ، ولی سیستانی آنرا "ف ، یاسر" مینویسد. قدر مسلم اینست که سیستانی نام مستعار "ف ، یاسر" را اختراع کرده و خواسته مقاله خود را زیر همین نام نشر کند، ولی چون دروغگوی حافظه ندارد، در فرق مقاله فراموش کرده که (ف، یاسر) بنگارد، بلکه فقط "یاسر" آورده است. اگر نام "ف، یاسر" یک نام حقیقی می بود، **صاحبش هرگز نام خود را در دو جای دو قسم نوشته نمی کرد!** همینجا است که به نیرنگ و جعلکاری این "سگ هر سوار و غلام هزار بادار" پی میبریم.

سیستانی آنقدر لوده است که فکر کرده همه مثل خودش لوده و این استند و از چالهایش خبر نمیشوند. همو قسمی که در نظر خواهی مقاله خود در دهها جای به نام مستعار و به نفع خود نوشت، حالا میخواهد یک نوشته چتل و بی اساس و سراسر چرند خود را زیر نام "ف ، یاسر" به خورد مردم بدهد. دلم به حال این کودک هشتاد ساله میسوزد که خودش پیر شده و عقلش هنوز هم به اندازه عقل ملخ باقی مانده. انسانان عقل ملخی نظیر سیستانی مگر فضل خداوند در جهان کم اند. از همین سبب میتوانم همان روایت طنزی را به جرئت تایید نمایم که:

« در زمانی که ملائکه عقل را تقسیم میکردند، وقتی نوبت سیستانی رسید، جوال عقل تمام شده بود و به سیستانی هیچ چیز نرسید. سیستانی هم ناچار همان جوال خالی عقل را در سر و روی خود مالید، باشد که خداوند رحمش بیاید و برایش از برکت همان جوال خالی، اندکی عقل عطا بفرماید. اما خداوند که عادل است و میفهمد که به کی بدهد و از کی بگیرد، در پشت کله سیستانی زد و گفت برو گم شو، من ترا طرد میکنم و تو خاسر الدین و الدنیا خواهی شد. »

همان شد که سیستانی از محفل عقل بخشی دست خالی برگشت و از همان زمان در سر سر خود میزند و میگوید : عقل نباشد، جان در عذاب است، عقل نباشد، جان در عذاب است. خدا بدادش برسد و ازین زندگی نکبتبار نجاتش بدهد! چنانچه هموطن عزیز ما از کابل جان ویرانه نوشته اند، سیستانی در میدان رقص گد شده و به دهل افغان جرمن میرقصد و ماحصلش چیزی دیگر نیست، غیر از :

خنده خنده خنده

همین یک مصرع هموطن عزیز کابلی خود را که از مغز کابل ارسال نموده، استقبال کرده و چند بیت نوشته و به پورتال "افغانستان آزاد" اهدا میکنم :

بر چینیان انسان گنده
سیستانی پاندول میزنه
با چهره اپن میرقصه
پیش مرده و زنده میرقصه
که برایش چنین عقل بخشید

خنده خنده خنده
افغان جرمن دول میزنه
با زنگ و جامن میرقصه
با شکم گنده میرقصه
خدا بدادش رسید